

ویژگیها و ثمرات تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی(ع)

ایوب محمودی *

رضا علی نوروزی **

محمد نجفی ***

دریافت مقاله: ۹۰/۸/۱۸

پذیرش نهایی: ۹۱/۳/۲۴

چکیده

تفکر و اندیشه یکی از اساسی‌ترین مواهبی است که در دین اسلام از آن یاد شده است. اهمیت این مسئله چنان است که دین اسلام، یک ساعت اندیشه را از هفتاد سال عبادت بالاتر معرفی نموده است. هدف از این مقاله بررسی ویژگیها و ثمرات تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی(ع) است که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی صورت می‌گیرد. تحقیق درباره تفکر انتقادی از دید امام علی(ع) بر اساس ویژگیهایی است که آن حضرت از تفکر انتقادی عرضه کرده اند که از مهمترین آنها می‌توان به تدبیر، استدلال بر مبنای قضایای پیشین، خود سنجی، تفکر واگرا، پرسش‌گری، توجه به آرای مختلف و توجه به شک و تردید راهبردی اشاره کرد. با توجه به گستردگی این ویژگیها، آنها در دو دسته ویژگیهای فردی و اجتماعی تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی(ع) مورد بررسی قرار گرفته‌است.
کلید واژه ها: تفکر انتقادی از دیدگاه دین، نهج البلاغه، امام علی(ع).

* نویسنده مسئول: کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش از دانشگاه اصفهان

mahmoudi1983@gmail.com

nowrozi.r@gmail.com

najafi.md@gmail.com

** استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

*** استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

مقدمه

امروزه نقش تفکر انتقادی در حوزه تعلیم و تربیت مورد توجه گسترده فیلسوفان آموزش و پرورش قرار گرفته است. بی شک یکی از پر مخاطبترین مباحث پژوهشی این عصر، بررسی جنبه‌های مختلف تفکر انتقادی است. گستره این مبحث به حدی است که پژوهشگران در سراسر جهان در رشته‌های مختلف و با روشهای متفاوت، هر یک به نوعی در جهت تبیین و بررسی این مسئله ارزشمند گام نهاده‌اند. با توجه به دگرگونی جامعه و سیر صعودی جهان به سوی ترقی و پیشرفتهای نوین، جامعه آموزشی کشورها نیز در خود این نیاز را احساس کرده است تا با این فرایند نوین در جهت پیشبرد اهداف خود حرکت کند. امروزه علاوه بر اینکه تفکر انتقادی در سامانه‌های آموزشی کشورهای مختلف عملاً به اجرا در آمده است، عده‌ای نیز بر آن شده‌اند تا به آموزش این نوع تفکر در مدارس و دانشگاه‌ها اقدام کنند؛ به عبارتی دیگر در گذشته کمتر فکر می‌شد که ممکن است افراد را متفکر و خلاق بار آورد. باور همگانی درباره ماهیت تفکر این بود که این خلاقیت و تفکر، کیفیاتی ذاتی و موروثی است که به هیچ وجه امکان کنترل و دخل و تصرف در آنها نیست در همین رابطه آلن بنسلی^۱ در مقدمه کتاب تفکر انتقادی در روانشناسی بر قابل آموزش بودن تفکر انتقادی تأکید می‌کند و می‌گوید همان طور که شما مفاهیم و کار را در هر رشته خاص فرا می‌گیرید، مهارتهای تفکر انتقادی هم قابل انتقال است و آموزش داده می‌شود (بنسلی، ۱۹۹۷: ۸).

توجه به تفکر، تعقل و تفکر انتقادی از دیرباز مورد تأکید قرآن و سنت اسلامی نیز بوده است. در واقع شاید یکی از جریانهای فکری منظمی که در قرون وسطی پیدایش یافت و توانست بر مبنای نظامی عقلانی و سامانمند، روند رو به رشد خود را در جهان طی کند، اسلام بود. با توجه به اینکه تفکر انتقادی مورد توجه گستره عظیمی از پژوهشگران و اندیشمندان تربیتی جهان قرار گرفته در این مقاله سعی شده است تا بازتاب این نوع اندیشه در آرای حضرت علی (ع) مورد توجه قرار گیرد. با توجه به اهمیتی که اندیشه‌های امام علی (ع) به عنوان یکی از بزرگترین متفکران انتقادی عصر پیامبر (ص) و بعد از آن قابل توجه است، بررسی تفکر انتقادی از دید آن بزرگوار می‌تواند راهگشای مشکلات تازه‌ای باشد که شاید به نوعی در سنت اسلامی مورد توجه پژوهشگران

مختلف قرار نگرفته است. توجه و عنایت قرآن، پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) به تفکر و تعقل شاید چنان گسترده باشد که نتوان به آسانی در آن غور کرد اما بررسی این مسئله با عنوان تفکر انتقادی، می تواند چشم انداز نوی را پیش روی مربیان تربیتی بگشاید.

نگاهی به پیشینه پژوهش هایی که در این ارتباط انجام شده است نشان می دهد که آنچه بیش از همه مورد توجه آنان قرار گرفته توجه به اهمیت تعقل و خرد ورزی و جایگاه تفکر در اندیشه های حضرت علی(ع) است. هیچ پژوهشی، تفکر انتقادی را از دیدگاه آن حضرت مورد بررسی قرار نداده است؛ از جمله پژوهش های مرتبط به موضوع می توان به مقاله عقل و دین در کلام علی(ع) اشاره کرد که در آن نویسنده به اصلاح و پالایش احکام اصیل و ناب دینی از کج اندیشیها و تحریفها، ارائه مسائل و موضوعات دینی توسط عقل، رفع تنافی بین دین و عقلانیت، هدایت و تثبیت در کشف حقایق و فهم مسائل مورد نیاز بشری توسط عقل از دیدگاه حضرت علی(ع) پرداخته است(بیات، ۱۳۷۹: ۶۹). در پژوهشی دیگر با عنوان «ایمان و خرد ورزی از دیدگاه امام علی(ع)» نویسنده می کوشد تا عدم تنافی بین ایمان(قلب) و خرد ورزی(عقل) را با استناد به کلام آن حضرت(ع) اثبات کند(خلیلی، ۱۳۸۴: ۵۸). پژوهش دیگری با عنوان عقل و خرد و ابعاد آن از زاویه نگاه امام علی (ع) به رابطه میان عقل، دین، علم و فهم سخن می پردازد و شاخصهای عقلانیت، خردگرایی و مانند آن را شناسایی می کند. در این مقاله سعی شده است تا استقلال و محوریت عقل نیز مورد بررسی قرار بگیرد(بیات، ۱۳۸۳: ۲۵).

در پژوهش دیگری با نام عقل و تعقل در کلام امیر(ع)، نویسنده به مباحث مختلفی از جمله جایگاه عقل در ذات انسانی، عقلانیت مدرن و عقلانیت از دیدگاه امام علی علیه السلام، معانی و اطلاقات عقل و ... به تفصیل اشاره می کند(برنجکار، ۱۳۸۰: ۳۴). پایان نامه هایی نیز در ارتباط با این موضوع (تفکر و جایگاه آن در کلام امیرالمؤمنین(ع) نگاشته شده است که البته هیچ کدام، تفکر انتقادی را از دیدگاه آن حضرت(ع) مورد بررسی قرار نداده اند.

در این پژوهش تلاش شده است تا با نگاهی ویژه به تفکر و جایگاه آن در کلام حضرت(ع) ویژگی تفکر انتقادی از دیدگاه آن بزرگوار مورد بررسی قرار گیرد. به این دلیل، ویژگیهایی برای تفکر سازنده که امیرالمؤمنین(ع) به آن اعتقاد دارد به مثابه شاخصه هایی برای جهتدهی تفکر تک بعدی و یکجانبه نگر به سوی تفکر انتقادی و خلاق معرفی می شود.

روش کار در این پژوهش بر بهره گیری از شیوه تحلیلی - توصیفی مبتنی است. توصیفی به این

دلیل که هدف پژوهشگر از این پژوهش، توصیف عینی، واقعی و منظم موضوع (نادری و سیف نراقی، ۱۳۷۸: ۷۲)، و از سوی دیگر تحلیلی است به این دلیل که هدف آن، تبیین ویژگی تفکر انتقادی حاصل از بررسی احادیث و روایاتی است که از آن حضرت (ع) نقل شده است (سرمد و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۲۷ و ۱۲۶).

تعریف و ویژگیهای تفکر انتقادی

افراد با ورود آموزش و پرورش انتقادی به حوزه تعلیم و تربیت، بسته به دیدگاه و باور خود، تعاریف و ویژگیهای متعددی برای آن ذکر کرده اند. بیشتر نظریه پردازان این حوزه، آموزش و پرورش انتقادی را روشی تجویزی در تعلیم و تربیت می دانند که به دانش آموز اجازه می دهد تا منتقدانه جهانش را درک، و به عنوان انسان در تغییر جهان خود دخالت سازنده کند. بنابراین می توان هدف عمده در آموزش و پرورش انتقادی را پرورش شهروندانی انتقادی دانست که درصد شناخت خود و اجتماعشان هستند. هدف آموزش به افراد این است که با افزایش این آگاهی، وضع موجود را تغییر دهند و آن را به آنچه از نظرشان آرمانی است، تبدیل کنند (حاجی آخوندی، ۱۳۸۸: ۵۳).

علاقه به توسعه تواناییهای تفکر انتقادی در محافل آموزشی پدیده جدیدی نیست. چت مایرز مؤلف کتاب آموزش تفکر انتقادی معتقد است منشأ چنین علاقه ای به آکادمی افلاطون برمی گردد؛ الگویی که دانشگاه های امروز از آن برخاسته اند اما بتدریج از این سنّت دیرینه فاصله گرفته، و بیشترین توجه خود را به ارائه اطلاعات معطوف کرده اند (مایرز، ۱۳۷۴: ۱).

پروفسور مک کارتی و پروفسور نوریس در مقاله های جالب و مهیج خود، تفکر انتقادی را از دیدگاه مختلف مورد تحلیل قرار می دهند. مک کارتی تلاش دارد که به توجیه آموزش، عدم آموزش، آزمودن و عدم آزمودن جنبه های مختلف تفکر انتقادی در زمان های مختلف بپردازد. علاوه بر او، نوریس به بررسی و مطالعه تجربی موضوعات تفکر انتقادی توصیه ای اکید دارد (بختیار نصرآبادی، نوروزی، حبیبی، ۱۳۸۴: ۲۷).

لیپمن نیز به عنوان یکی از پژوهشگران مشهور در این حوزه، پس از تمایز بین تفکر عادی با تفکر انتقادی، نتیجه گیری می کند که تفکر انتقادی پیچیده تر است و مستلزم فرایندهای عالی ذهن

و قضاوت بر مبنای شواهد و مدارکی است که با مشاهده فرد به دست آمده است (لیپمن، ۱۹۹۷: ۹۸).

واتسون و گلایزر نیز معتقدند که توانایی تفکر انتقادی، پردازش و ارزشیابی اطلاعات قبلی با اطلاعات جدید و پیامد و حاصل تلفیق استدلال قیاسی و استقرایی با فرایند حل مسئله است (هاون اشتاین و همکاران، ۱۹۹۶: ۱۰۰ و ۱۰۱). آنها در این زمینه از پنج مهارت اساسی در تفکر انتقادی نام می‌برند و آنها را در قالب استنباط، شناسایی مفروضات، استنتاج، تعبیر و تفسیر و ارزشیابی استدلالهای منطقی مورد بررسی قرار می‌دهند.

از نظر نلسون تفکر انتقادی به مجموع تلاشهای سازمان یافته، هدفمند و جدی برای فهم دنیای پیرامون اطلاق می‌شود که با ارزیابی دقیق ما از تفکرات خود و دیگران به منظور روشن سازی و بهبود فهم ما صورت می‌گیرد (نلسون، ۲۰۰۱: ۸).

دیدگاه‌های مختلفی در حوزه تفکر انتقادی هست که اشاره به همه آنها در این مقاله نمی‌گنجد. از مهمترین این دیدگاه‌های انتقادی در حوزه تعلیم و تربیت می‌توان به نظریه پائولو فریره و ایوان ایلچ^۱ آرای ساموئل بولز^۲ و هربرت گینتز^۳ و اندیشه‌های هنری ژيرو و مایکل اپل^۴ اشاره کرد. البته باید خاطر نشان کرد که تفکر انتقادی تنها از دیدگاه اندیشمندان غربی مورد توجه قرار نگرفته است و در این زمینه باید از امام محمد غزالی به عنوان یکی از متفکران انتقادی عصر خودش یاد کنیم. غزالی نیز با نگاهی انتقادی به تربیت می‌نگرد. او از آموزش کورکورانه انتقاد می‌کند و از علم و مذهبی که بر اساس تقلید بدون اندیشه حاصل شود، احساس نگرانی می‌کند؛ زیرا از نظر او کسی که تقلید می‌کند نابیناست و در پیروی از نابینایان و مقلدانشان خیری نیست (غزالی، ۱۳۷۴: ۵۰). این اندیشه، اندیشه انتقادی غزالی است که در آن باید به هر چیز به دیده شک و تردید نگریست. او خود در این باره می‌گوید: اگر در مسیر این کلمات چیزی نباشد که در تو نسبت به اعتقاد موروث شکی پدید آورد تا در طریق طلبت بگمارد از آن سودی نخواهی برد؛ زیرا کسی که شک نکند، نظر نکرده است و کسی که نظر نکند، نمی‌بیند و کسی که نمی‌بیند در نابینایی و گمراهی فرو می‌ماند (غزالی، ۱۳۷۴: ۱۶۳).

1- Ivan Illich

2- Samuel Bowels

3- Herbert Gints

4- Michelle Apple

جایگاه اندیشه و تفکر انتقادی در اسلام

عقل در کتاب خدا به صورت «عقلوه» یک بار، «یعقلون» ۲۴ بار، «نعقل» یک بار، «یعقلها» یک بار، و «یعقلون» ۲۲ بار آمده است که از دقت در آنها به دست می آید که در تمامی موارد به معنی فهم و درک است. در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، توجه به عقل و پرورش تفکر از جایگاه ویژه ای برخوردار است. آیات قرآن مجید با الفاظ و تعابیر متفاوت، کلام معصومین (ع) و گفتار دانشمندان اسلامی در نوشتارهایشان مؤید این ادعاست؛ به همین سبب آیات متعدد با مضامین گوناگون انسان را به تعقل و تدبیر و در یک کلام به عقل گرایی و خردورزی دعوت، و تربیت انسان را با مبنا و اساس تعقل و تفکر پایه ریزی می کنند؛ برای مثال در سوره های حج، آیه ۴۶؛ بقره، آیه ۱۶۴؛ آل عمران، آیه ۱۹۰؛ رعد، آیه ۳ و انعام، آیه ۵، ناظر به تشویق، ترغیب و توجه دادن افراد به خردورزی است. در باب پرورش عقلانی از پیشوایان معصوم (ع) نیز سخنان گهربار بسیاری در این مورد ثبت شده است (سلطان القرائی، ۱۳۸۴: ۱۳۹).

با توجه به اهمیتی که اندیشه و تفکر در اسلام دارد، تقلید کورکورانه و بدون پشتوانه عقلی و منطقی بارها در قرآن مورد تقییح واقع شده است و کسانی که از روی عناد و لجاجت به شیوه آبا و اجداد خویش رفتار می کنند و اسیر تقلید هستند، مورد مذمت واقع شده اند؛ چنانکه در سوره بقره آیه ۱۷۱ چنین بیان می شود:

چون به آنها گفته شود که از آنچه خدا فرو فرستاده است پیروی کنید، می گویند ما از پدران خود پیروی می کنیم. آیا از پدرانشان پیروی می کنند؛ اگرچه آنها تعقل نمی کردند و هدایت نشده بودند؟

در سوره زخرف آیه ۲۳ بیان می کند که هیچ پیامبری رسالت خویش را به مردم ابلاغ نکرد مگر اینکه با این سخن رو به رو شد که ما پدرانمان را بر آیین و عقایدی یافتیم و البته به آنان اقتدا خواهیم کرد.

در بررسی این دو آیه آنچه آشکار است توجه به نبودن نگرش انتقادی به سنت و عاداتی است که از گذشتگان به افراد منتقل شده است و آنها بدون تحلیل و نقادی و صرفاً از روی تعصب به پذیرش آن اقدام کرده اند؛ اما آزادی بحث و انتقاد حتی درباره مسائل مذهبی از ویژگیهای منحصر به فرد مکتب اسلام به شمار می آید. مخالفان دین اسلام در حوزه نظر با حفظ آداب مباحثه و

مناظره آزاد بودند که هر پرسشی را مطرح کنند و این پرسشها حتی شامل تشکیک در اصول دین نیز می‌شد؛ اما شیوه تربیتی اسلام برخلاف شیوه تربیتی بسیاری از مکاتب با سرمشق قرار دادن روحیه تسامح و تساهل به پاسخگویی این شبهات می‌پرداخت بدون اینکه اهانتی به پرسش‌کننده شود. قرآن کریم در جایگاه کتاب آسمانی دین اسلام می‌فرماید: «بندگانم را بشارت ده، آنانکه چون سخنی بشنوند به نیکوترین آنها عمل کنند؛ آنان هستند که خداوند به لطف خاص خود هدایتشان فرموده و هم‌آنان به حقیقت خردمندان عالمند» (زمر/۱۷ و ۱۸). با توجه به این جایگاه خطیری که در اسلام به خرد ورزی و تفکر عاقلانه اختصاص یافته است می‌توان با کمی کاوش در قرآن و هم‌چنین احادیث و روایات اسلامی به جایگاه تفکر انتقادی در اسلام پی برد.

ویژگیهای تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی (ع)

توجه به تفکر و پرورش عقلانی از دیدگاه امام علی (ع) شایسته پژوهش‌های بسیاری است. آن بزرگوار در بیانات خود بارها، مباحث مختلفی را در زمینه تفکر مطرح کرده است که با کاوش و تحلیل دقیق می‌توان به این نکته مهم دست یافت که ایشان بیش از هر نظریه‌پردازی در حوزه علم و دین به ضرورت تفکر انتقادی در مسائل علمی و دینی پی برده و شاخصه‌های مختلفی را برای این مسئله منظور داشته است.

ویژگیهای تفکر انتقادی را از دیدگاه امام علی (ع) می‌توان در دو بخش ویژگیهای فردی و اجتماعی مورد بحث قرار داد که در این مقاله، صرفاً به تبیین ویژگیهای فردی تفکر انتقادی از دیدگاه آن امام همام می‌پردازیم.

ویژگیهای فردی تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی (ع)

۱- تعقل همراه با تدبیر

در تربیت دینی، تدبیر بدین معناست که انسان در ظواهر کارها توقف نکند و در فرجام آنها بیندیشد و پایان کار را بنگرد؛ زیرا یکی از راه‌هایی که می‌توان با آن نیروی عقل را تقویت کرد این است که انسان در مورد هر کاری، اطراف و جوانب آن را خوب بررسی، و در آثار و نتایج خوب یا بد آن، اندیشه و تأمل کند؛ چرا که توقف در ظواهر و غفلت از پیامد و نیندیشیدن در

فرجام کارها، انسان را از سیر به سوی کمال باز می‌دارد. امیرالمؤمنین علی (ع) در این باره می‌فرماید: «قبل از اینکه عزم نمایی، اندیشه نما و پیش از اینکه اقدام کنی، مشورت کن و پیش از اینکه وارد شوی تدبیر کن» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۳۵۳).

امام علی (ع) همواره در سخنان خود بر استفاده انسان از قوه تعقل در تمام مراحل زندگی و بیان و فهم مطالب از طریق استدلال متقن و محکم و عقل پسند تأکید دارد و می‌فرماید: «تدبیر با تعقل مانند دیدن با چشمان نیست؛ زیرا گاهی چشمان به مقتضیات ساختار و موضعگیری بیننده، خلاف واقع را نشان می‌دهد در صورتی که عقل، کسی را که از آن پندی بخواهد، فریب نمی‌دهد» (نهج البلاغه، حکمت ۲۸۱). بر این مبنا یکی از ویژگیهای ممتازی که حضرت (ع) برای تفکر انتقادی مطرح می‌سازد، تعقل همراه با تدبیر است. اهمیت تدبیر به گونه ای است که ایشان چاره کارها را به رأی و رأی را به فکر و تأمل باز می‌گرداند آنجا که می‌فرماید: التَّدْبِيرُ بِالرَّأْيِ وَالرَّأْيُ بِالْفِكْرِ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۶).

بنابراین در پیش امام علی (ع) یکی از جلوه های برجسته تفکر انتقادی، عجز شدن تعقل و اندیشه با تدبیر و عاقبت اندیشی است.

۲- مطالعه پیوسته

بی تردید اگر قرار باشد فردی بتواند در مسائل مختلف صاحب نظر و نقاد باشد، باید درباره آن مسائل اطلاعات علمی تازه تری نسبت به دیگران داشته باشد. اساساً همان گونه که بدن انسان برای فعالیتهای مختلف به انرژی و تغذیه کافی نیازمند است، عقل و اندیشه آدمی نیز برای تدبر عمیق و نقادانه در کارهای مختلف به حکمتهای تازه و روشهای نوین نیاز دارد. امام علی (ع) درباره یکی از زمینه های ایجاد تفکر انتقادی در افراد، مطالعه در دانشهای جدید و نظریات تازه را پیشنهاد می‌کند و می‌فرماید: «دلها همانند پیکرها به ستوه آیند؛ پس برای آنها حکمتهای تازه بخواهید» (مجلسی، ۱۳۷۲: ج ۶۷: ۶۱).

از این رو یکی از ویژگیهای تفکر انتقادی مطالعه پیوسته در علوم و پژوهشهای جدید و آشنایی با منابع علمی نوین برای کسب نگرشی تازه درباره مسائل مختلف است.

۳- پرسش‌گری

پرسش‌گری، ویژگی انسانهای نقادی است که می‌کوشند بر دانایی خود از طریق جستجو و

پژوهش و پرسش بیفزایند. سیره امام علی (ع) بر این بوده است که مردم را به سؤال کردن تشویق می‌کرد، به عنوان مثال در یکی از سخنرانیهای خود در مسجد کوفه خطاب به مردم می‌فرماید: «ای مردم از من بپرسید پیش از اینکه مرا از دست بدهید...؛ پیش از اینکه فتنه‌ای مانند شتر بی صاحب پای خود را بلند کند؛ مهار خود را زیر پا بگذارد و عقول قوم خود را تباه سازد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹). با این حال حضرت (ع) «پرسش‌گری» را به دو گونه خوب و بد تقسیم می‌کند و با آن نوع از پرسشگری که خارج از حد فهم مخاطب و پرسشگر باشد به مقابله بر می‌خیزد و می‌فرماید: «مَنْ سَأَلَ فَوْقَ قَدْرِهِ اسْتَحَقَّ الْجُرْمَانَ»: هر کس سؤالی بالاتر از قدر خود کند، مستحق محرومیت است (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۷۵: ۲۷۸).

بنابراین از دیدگاه آن بزرگوار، همیشه مرزهای تفکر و اندیشه باید نگاه داشته شود؛ چه بسا که پرسش‌های زیانبار باعث گمراهی فرد و افزایش شک و تردید بیهوده وی نسبت به مسائل مختلف شود و او را از هدف اصلی باز دارد.

۴- شک راهبردی

حضرت علی (ع) معتقد است که شناخت انسان تنها از طریق تعقل صرف حاصل نخواهد شد و برای بهره‌مندی از معرفت حقیقی نیاز است که انسان به مسائل مختلف به دیده شک و تردید بنگرد و به صرف قابل قبول بودن دلایل ظاهری مسئله یا پذیرش آن از سوی عده‌ای، وی به پذیرش آن مسئله مجاب نشود. حضرت (ع) در این باره می‌فرماید: ظَنَّ الرَّجُلُ عَلَيَّ قَدْرَ عَقْلِهِ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۷۲): گمان عاقل، گوشه‌ای از عقل اوست (کراچکی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۹۹). امام علی (ع) در جای دیگری حتی به فراتر از این مسئله اشاره دارد و معتقد است که شک و تردیدی که فرد عاقل درباره یک مسئله دارد از یقین جاهل به آن مسئله درست‌تر است؛ چنانکه می‌فرماید: ظَنَّ الْعَاقِلُ اصْحَحَّ مِنْ يَقِينِ الْجَاهِلِ (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴: ۲۷۴). با این حال حضرت (ع) توجه بیش از اندازه به شک و تردید در مسائل را رد می‌کند تا جایی که می‌فرماید: «از بدبختی مرد این است که شک، یقین او را فاسد کند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۷۱)؛ یعنی شک و تردید باید آگاهانه و به اندازه باشد.

درباره اهمیت شک و تردید در اندیشه، مریبان تربیتی معاصر نیز به تفصیل سخن گفته‌اند که از آن جمله می‌توان به جان دیویی اشاره کرد که ماهیت تفکر انتقادی را تردید سالم معرفی می‌کند (مایرز، ۱۳۷۴: ۱۵). منظور از تردید سالم همان است که به عنوان شک راهبردی در این بحث و

در برابر شک جاهلانه مطرح شد.

۵- موقعیت سنجی

حضرت (ع) در بررسی عواملی که باعث نهادینه شدن برخی رفتارها در فرد می شود به مسئله زمینه سازی و آماده ساختن موقعیت هر مسئله اهمیت ویژه ای می دهد و معتقد است که نباید در هر جایی و هر زمانی به کاری دست زد؛ چرا که برخی کارها موقعیت ویژه ای دارد که باید پیش از دست یازیدن به آنها زمینه آنها فراهم باشد؛ چه بسا هر مسئله علمی در زمان و مکانی مطرح شود که قدرت پذیرش آن از سوی مخاطبان آماده نباشد یا وضعیت به گونه ای باشد که تمایل افراد به بحث و پژوهش در آن مسئله با توجه به مشکلات و مسائلی که وجود دارد، وجود نداشته باشد. امام (ع) در این باره می فرماید: «دلها را روی کردن و پشت کردنی است؛ پس دلها را آن گاه به کار وادارید که بخواهند؛ زیرا اگر دل را به اجبار به کاری واداری، کور می گردد» (دشتی، ۱۳۷۹: ۲۰۵).

پس یکی از ویژگیهای اساسی تفکر انتقادی از نگاه حضرت (ع) توجه به موقعیتی است که قرار است در آن مسئله ای مطرح شود؛ یعنی نباید به بهانه متفن بودن دلیل و مسئله مورد بحث، آن را در هر وضعیتی و در هر جایگاهی برای دیگران مطرح ساخت.

۶- استدلال بر مبنای قضایای پیشین

یکی از ویژگیهای تفکر انتقادی این است که فرد بکوشد قدرت تبیین، بررسی و تجزیه و تحلیل خود را نسبت به مسئله مورد نظر افزایش دهد؛ این امر به صورت زیبایی در آرای حضرت (ع) منعکس شده است آنجا که توصیه می کنند: اسْتَدِلْ عَلٰی مَا لَمْ يَكُنْ بِمَا قَدْ كَانَ فَإِنَّ الْأُمُورَ أَشْبَاهَ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ: (نامه ۳۱): برای امور واقع نشده از آنچه واقع شده، استدلال کن؛ زیرا کارهای جهان همانند یکدیگر است؛ به عبارتی دیگر، تفکر انتقادی ما را و او می دارد تا با بررسی و تجزیه و تحلیل دقیق منابع و داده های مختلف به نتیجه گیری جدید بر مبنای موارد مشابهی پردازیم که در گذشته مورد بررسی قرار گرفته است.

در طبقه بندی مشهوری که از مهارتهای تفکر انتقادی توسط انیس^۱ (۱۹۸۷) مطرح شده است «استدلال بر مبنای قضایای پیشین»، که قرنها پیش توسط حضرت (ع) مطرح شده است به عنوان

«استنتاج یا تعمیم از تعدادی مشاهده یا اندیشه به موارد دیگر» یاد شده است (سیف، ۱۳۸۰: ۵۵۳)؛ مسئله‌ای که پیشتر توسط آن حضرت (ع) آشکارا بیان شده است.

۷- توجه به کارهای مهمتر

نگرش انتقادی، ما را از پرداختن به کارهای غیر مهم تا جایی که مسائل مهمتر حل و فصل نشده است باز می‌دارد؛ این مسئله بخوبی مورد توجه حضرت (ع) قرار گرفته است آنجا که می‌فرماید: *مَنْ اشْتَغَلَ بِمَا لَا يَغْنِيهِ فَاتَهُ مَا يَغْنِيهِ* (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۷۷): هر که مشغول گردد به آنچه مهم و در کار نباشد او را فوت شود از او آنچه مهم و در کار باشد او را (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۵: ۳۱۲) و در جایی دیگر می‌فرماید: هر که مشغول گردد به غیر آنچه ضروری باشد ضایع کند آنچه مهمتر و ضروری تر باشد؛ زیرا اوقات آدمی به پرداختن به هر دو وفا نکند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۷۷). طبقه بندی مهارت‌های تفکر انتقادی که توسط انیس (۱۹۸۷) مطرح شده است نیز یکی از ویژگیهای کلی تفکر انتقادی را در نظر گرفتن نکته اصلی و از یاد نبردن مسئله اصلی مورد علاقه معرفی می‌کند (سیف، ۱۳۸۰: ۵۵۳).

بنابراین یکی از ویژگیهای اساسی تفکر انتقادی از دیدگاه حضرت علی (ع) توجه نکردن به بررسی و تبیین کارهای غیر اساسی است در جایی که مسائل مهمتر و اساسی تر هنوز حل و فصل نشده است.

۸- رعایت حدود کارها

در مسئله پرسشگری به مثابه یکی از ویژگیهای مورد توجه حضرت (ع) به عنوان تفکر انتقادی بحث شد که ایشان با هر نوع پرسشگری موافق نیست و معتقد است که برخی پرسش‌ها از حیثه فهم پرسشگر خارج است که نمی‌تواند راهنمای وی در مسئله شود. همان طور که عنوان شد آن حضرت با هر نوع شک و تردیدی نیز موافقت نمی‌کند و معتقد است که باید شک عاقلانه را از شک جاهلانه تمییز داد. در این باره حضرت به رعایت حدود کارها اشاره می‌کند و معتقد است عقل واقعی هیچ‌گاه از حدود خود تجاوز نمی‌کند؛ به عبارت دیگر: *لَا عَقْلَ لِمَنْ يَنْجَاوِرُ حَدَّهُ وَ قَدْرَهُ* (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۳۳): برای کسی که از حد و اندازه خود درگذرد، عقلی نیست. تفکر انتقادی با اندیشه در مسائل مختلف مخالف نیست ولی از نگاه حضرت (ع) این مسئله باعث نشود که عقل در هر چیزی کاوش کند و بکوشد که جواب آن را هم در یابد؛ چرا که اصولا اسلام به

خطاپذیری عقل اذعان دارد و هر منبع خطا پذیر تنها با رعایت حدودش می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد نه خارج از حدودش. با این حال تنها یک خط قرمز وجود دارد و آن تفکر در ذات الهی است که در پیش اسلام از آن نهی شده و آن هم بدین علت است که عقل بشری قدرت تفکر در آن را در خود نمی‌بیند و این باعث می‌شود تا به انحراف گرایش پیدا کند.

۹- خود سنجی

یکی از ویژگیهای اساسی تفکر انتقادی این است که فرد همان گونه که آرا و اندیشه‌های مختلف را مورد بررسی و نقد و تجزیه و تحلیل خود قرار می‌دهد، آرا و اندیشه‌های خود را نیز مورد انتقاد قرار دهد؛ چرا که اطمینان به اندیشه خود، یکی از موانع اساسی تفکر انتقادی به شمار می‌رود. اصولاً خودرأیی در کارها، مورد مذمت اسلام واقع شده است؛ همان گونه که حضرت (ع) به زیبایی هرچه تمامتر می‌فرماید: *اتَّهَمُوا عُقُولَكُمْ فَإِنَّهُ مِنَ الثَّقَةِ بِهَا يَكُونُ الْخَطَأُ* (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۶). خرد خویش را متهم کنید چون اطمینان به آن اشتباه است (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲: ۲۶۸). اساساً در تفکر انتقادی، اطمینان خاطر داشتن به دانش و آگاهیهای کنونی خود جایی ندارد. تفکر نقاد زمانی مطرح می‌شود که فرد در وهله نخست، اندیشه‌های شخصی خود را مورد بازبینی و بازنگری قرار دهد؛ سپس به بازاندیشی در اندیشه‌های دیگران اهتمام ورزد. مسئله خودسنجی از نگاه امام علی (ع) تا آنجا اهمیت یافته است که آن را به عنوان شرط لازم و ضروری در انتخاب رهبری جامعه نیز قلمداد می‌کند؛ آنجا که می‌فرماید: کسی که خود را پیشوای مردم قرار دهد باید قبل از آموزش دیگران به آموزش خود و آن که به آموزش و پرورش خویشتن پردازد، بیشتر سزاوار ستایش است تا اینکه به آموزش و پرورش دیگران می‌پردازد (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۶).

این ویژگی مهم تفکر انتقادی از طریق متهم ساختن باورهای شخصی یعنی با دیدی انتقادی به مسائل نگرستن و هر مسئله را از جوانب مختلف، بدون هیچ تعصب و عنادی مورد تجزیه و تحلیل قرار دادن به دست می‌آید.

۱۰- تعمق و ژرف اندیشی

تفکر انتقادی مستلزم این است که فرد به کنه کارها توجه کند و با توجه به ظواهر در مورد آن تصمیم نگیرد. اگرچه شناخت خیر از شر نشاندهنده عقل و فهم انسان و به عبارت کلی تر نشاندهنده تفکر انسان به شمار می‌رود، شناخت و تمیز بین دو امر بد، نشاندهنده تفکر انتقادی او به

حساب می آید. اینجا دیگر نمی توان تنها با تفکر ساده به شناخت دست یافت بلکه باید با تفکر پیچیده تر به تجزیه و تحلیل پرداخت. در این باره حضرت علی(ع) می فرماید: عاقل کسی نیست که بتواند خوب را از بد تمیز بدهد بلکه عاقل کسی است که بتواند تمیز دهد که بین دو بد کدام بهتر است (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۷۵: ۶).

بر همین اساس، تنها تعقل و اندیشه صرف در مسئله مورد پژوهش کفایت نمی کند، بلکه فرد باید به تعقل و اندیشه خود رنگ تعمق و ژرف اندیشی ببخشد تا او را از تفکر سطحی و مقطعی باز دارد. ژرف اندیشی در تعقل هم چنین باعث می شود تا ثبات تصمیم گیری فرد بر مبنای یافته های پژوهشی موجود افزایش پیدا کند.

۱۱- تلفیق علم و عمل

اصولا در اندیشه اسلامی ارزش هر علم به عمل آن است و این مسئله بخوبی در آرای حضرت علی(ع) نیز نمایانگر شده است. در واقع یکی از ساختارهای اساسی در ایجاد و شکل گیری تفکر انتقادی تلفیق علم با عمل است و تنها با افزایش دانش و آگاهی نمی توان به بینش انتقادی دست یافت. حضرت(ع) در یک جمله کوتاه می فرماید: *الْعِلْمُ بِالْعَمَلِ* (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۷۵: ۲۶): علم با عمل، علم است؛ پس هرگاه با عمل نباشد در واقع علم نیست و کاری از آن نیاید بلکه بدتر از جهل است؛ زیرا جاهل در بعضی احکام معذور باشد که عالم نباشد (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۱: ۶۲). در بینش امام علی(ع)، تنها دانستن و کسب آگاهی کردن نمی تواند هدایت بخش امور تلقی شود؛ همان گونه که عمل کردن بدون اندیشه نیز مذموم شناخته می شود.

ثمرات تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی(ع)

با بررسی ویژگیهای تفکر انتقادی از دیدگاه امیرالمومنین(ع) نمونه های مختلفی از سودمندی و ثمرات این نوع تفکر بر ما آشکار می شود که به طور خلاصه در اینجا عرضه می شود. هر تفکری که بر مبنای اصول و قواعد خاصی صورت گیرد و شاخصه های انتقادی آن حفظ شود (همان شاخصه هایی که پیشتر به آنها اشاره شد)، نتایجی نیز به دنبال خواهد داشت که می تواند به عنوان بهره های تفکر انتقادی از آنها یاد کرد. همان گونه که می دانیم انسان جز با تفکر به حقیقت کارها دست نمی یابد و جز با اندیشه صحیح از فرو رفتن در دامهای گمراهی در امان نمی ماند. از این رو

امیرالمؤمنین (ع) بینایی را ثمره تفکر می داند؛ چنانکه در وصیت خود به فرزندش امام حسین (ع) می فرماید: «مَنْ تَفَكَّرَ أَبْصَرَ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱): کسی که بیندیشد، بینا گردد. بر اساس آنچه در این پژوهش به عنوان ویژگی تفکر انتقادی برشمردیم، می توان ثمرات تفکر انتقادی را از دیدگاه آن حضرت (ع) چنین برشمرد:

۱- گسترش فرهنگ تحقیق

امام علی (ع) همان گونه که به تفکر و اندیشه در کارها اهمیت می دهد به تحقیق و پژوهش نیز توجه دارد که لازمه تفکر صحیح به حساب می آید و از سویی بهترین کارها را در تحقیق و پژوهش می بیند؛ چنانکه می فرماید: «لا عمل کالتحقیق (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶: ۳۵۳) و از سویی معتقد است که اجتهاد بدون تحقیق بی فایده است: «لا ینفع اجتهاد بغير تحقیق (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶: ۳۸۷) و در جایی دیگر نیز برترین روش و شیوه تفکر را پژوهش و تحقیق عنوان می کند؛ چنانکه می فرماید: «لا سِنَّةَ اَفْضَلَ مِنَ التَّحْقِيقِ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶: ۳۸۱). از این رو به نظر می آید که از نظر امام علی (ع) تحقیق و پژوهش و تفکر انتقادی لازم و ملزوم یکدیگر است و به نوعی می توان پژوهش و تحقیق را ثمره تفکر انتقادی و تفکر انتقادی را بهره تحقیق و پژوهش به شمار آورد.

۲- چاره جویی و کوشش برای کشف حقیقت

امام علی (ع) چاره جویی را فایده و ثمره تفکر عنوان می کند؛ چنانکه می فرماید: الحيلة فائدة الفكر (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۰۸) و چاره جویی و کوشش برای کشف حقیقت را عاملی می داند که فرد را از گمراهی و ناتوانی در حل مسائل نجات می دهد؛ آن حضرت می فرماید: «من جهل وجوه الآراء أعيته الحيلة» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵: ۱۷۹): کسی که از راه های رأیها و نظرها ناآگاه باشد، چاره ها او را ناتوان کند و راه چاره بر او بسته می شود. از این رو آن بزرگوار، چاره جویی و تلاش برای کشف حقیقت را به عنوان ثمره تفکر انتقادی معرفی می کند و معتقدند: «لکلّ شیء حيلة» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵: ۱۵): هر چیزی را حيله و راه چاره ای است و این راه چاره از راه تفکر انتقادی حاصل می شود.

۳- کاوشگری

همان گونه که فرد برای رسیدن به حقیقت کارها به تحقیق و پژوهش می پردازد و در این راه

به چاره جویی و کوشش برای کشف حقیقت مبادرت می‌ورزد، تفکر انتقادی باعث توسعه کاوشگری در فرد می‌شود و این شاخصه مهم به بارور شدن معرفت و شناخت فرد منجر می‌گردد. حضرت در این باره می‌فرماید: «لِقَاحِ الْمَعْرِفَةِ دِرَاسَةُ الْعِلْمِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵: ۱۲۵). امام علی (ع) در جایی دیگر کاوشگری و تحصیل علوم جدید را عاملی برای به یاد سپردن آنچه بیشتر آموخته و آموختن آنچه نمی‌داند، بیان می‌کند؛ چنانکه می‌فرماید: «مَنْ أَكْثَرَ مَدَارَسَةَ الْعِلْمِ لَمْ يَنْسَ مَا عِلْمٌ وَ اسْتَفَادَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶: ۳۹). کسی که گفتگو و درس گرفتن و کاوشهای علمی را بسیار کند، فراموش نکند آنچه را یاد گرفته است و بهره‌گیر از آنچه نمی‌داند. بنابراین یکی دیگر از ثمرات تفکر انتقادی کاوشگری در کارها و تلاش برای کسب دانش و معرفت بیشتر است.

۴- تشویق به تحصیل دانش بدون محدودیت

اهمیت کسب دانش در اسلام مورد توجه بسیاری است و از این رو با دیدی آزاد و انتقادی، حضرت (ع) با توجه به اهمیت نفس حکمت، گرفتن آن را از هر منبعی محترم می‌شمارد و بدون تعصب و عناد به دارنده حقیقت و حکمت، آن را برای پیشبرد حقیقت و معرفت لازم می‌شمارد و می‌فرماید: حکمت گمشده مومن است؛ پس گم کرده خود را بجوی گرچه در اهل شرک باشد (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۹۷). این مسئله نشاندهنده اهمیتی است که فرهنگ اسلامی به یادگیری و کسب دانش دارد و در راه کسب دانش، خط قرمزی را نمی‌شناسد و با نگرش انتقادی، توجه به راه‌های مختلف دستیابی به معرفت و علوم را پیشنهاد می‌کند. بنابراین امام علی (ع) تشویق به تحصیل دانش را در هر جایی و هر زمانی و نزد هر فردی جایز می‌شمارد و این ثمره تفکر انتقادی است که آن حضرت به آن اهمیت ویژه‌ای می‌دهد.

۵- عدالت ورزی

از احادیثی که درباره حکم عقل به خوبی و بدی کارها از امام علی (ع) نقل شده است برمی‌آید که حسن و قبح افعال، عقلی و یقینی است و انسان با تعقل و تدبر در کارها به طور یقینی درک می‌کند که اعمالی خوب است و رفتاری زشت، و عقل انسان را به کارهای خوب و ترک کارهای زشت دعوت می‌کند؛ برای مثال وقتی حضرت می‌فرماید: من علامات العقل، العمل بسنة العدل (حکیمی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۳۳۲): از نشانه‌های عقل، عمل به روش عدل است. فرض این سخن این است

که عدالت، خوب است و عقل خوبی عدل را درک و آدمی را به آن دعوت می‌کند. از این رو کسی که به عدل رفتار می‌کند از عقل بهره‌مند، و از آن پیروی کرده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عدالت ورزی از ثمره اساسی تفکر انتقادی به شمار می‌رود که حضرت به آن اشاره کرده است. این عدالت می‌تواند در همه کارها جریان داشته باشد. عدالت در عرصه دانش و عدالت در عرصه دین و عدالت در کارهای شخصی، همه در گرو تعقل و اندیشه ورزی است.

۶- احترام به آرا و اندیشه‌های دیگران

یکی دیگر از نتایج اساسی تفکر انتقادی احترام به آرا و اندیشه‌های دیگران است. در عرصه علم و دانش خودرأیی و بی‌توجهی به اندیشه‌های دیگران جایگاهی ندارد و همان گونه که حضرت(ع) می‌فرماید «لا تستصغرن عندك الرأى الخطير اذا اتاك به الرجل الحقيير» (حکیمی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۲۸۷): کوچک م شمار رأی مهم و خطیر را هنگامی که مرد حقیر و کوچکی آن را برای تو آورد. در جایی دیگر حضرت علی(ع) می‌فرماید: «الا و ان اللیب من استقبال وجوه الآراء بفكر صائب و نظر فى العواقب» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۳۳۷): آگاه باشید که به راستی خردمند فرزانه کسی است که به رأیهای مختلف رو آورد؛ با فکری درست و نگرشی در پیامد و سرانجام کارها. در واقع تفکر انتقادی باعث می‌شود که فرد خود را منبع تمام و کمال دانش محسوب نکند و به این حقیقت آگاه شود که ثمره تفکر انتقادی احترام به همه اندیشه‌هاست فارغ از اینکه این آرا و اندیشه‌ها به چه کسانی تعلق دارد.

سرانجام قابل ذکر است با توجه به اهمیتی که دین اسلام به تفکر و تعقل و فزاتر از همه این موارد به «تفکر انتقادی» می‌دهد و انعکاسی که تفکر انتقادی در اندیشه‌های گرانقدر حضرت علی(ع) مورد توجه قرار گرفته است، ضروری به نظر می‌رسد که زمینه‌های ایجاد و شکوفایی این نوع اندیشه در محافل آموزشی کشور مورد توجه بیشتری قرار بگیرد تا جامعه اسلامی از سود این نوع اندیشه بهره‌ور شود. در این میان می‌توان با بازاندیشی در برخی محتواهای کتابهای آموزشی در سطوح مختلف و قرار دادن برخی معارف اسلامی که وجهه انتقادی دارد و هم چنین با بهره‌گیری از احادیث روایی ائمه اطهار(ع) در ترویج فرهنگ نقد و کاوش و تفکر انتقادی، زمینه‌های یادگیری خودانتقادی و اندیشه‌واگرا و خلاق را در دانش‌آموزان پرورش داد.

نتیجه گیری

تفکر انتقادی به عنوان یکی از مهمترین مباحث مورد توجه در محافل آموزشی، بخش عمده‌ای از پژوهشهای اندیشمندان مختلف را به خود اختصاص داده است. با گسترش اندیشه‌های نوین در جهت ترقی روشهای تدریس و یادگیری با استفاده از تفکر انتقادی، اهمیت روز افزون این مسئله در نظام آموزشی کشورهای مختلف بشدت احساس شده است و حتی در بسیاری از سامانه‌های آموزشی به آموزش تفکر انتقادی و چگونگی تفکر و اندیشه مبادرت ورزیده‌اند. در این مقاله تلاش شد تا با استفاده از آرا و اندیشه‌های گرانقدر حضرت علی(ع) با استفاده از منابع مستند روایی، تفکر انتقادی از دیدگاه آن حضرت(ع) مورد بررسی و کاوش قرار گیرد. با توجه به اهمیت نقش تفکر و تعقل در اندیشه اسلامی، این مسئله در اندیشه‌های حضرت امیر(ع) نیز بازتاب ویژه‌ای یافته است. گذشته از اهمیت تفکر به صورت عام، مفهوم تفکر انتقادی نیز هم در قرآن، هم در سنت رسول خدا(ص) و ائمه اطهار(ع) جلوه‌گری خاصی داشته است و این مسئله در اندیشه امام علی(ع) به گونه برجسته‌تری مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق ویژگیهای مختلفی از دیدگاه حضرت علی(ع) برای تفکر انتقادی برشمرده شد که در دو دسته ویژگیهای فردی و اجتماعی تفکر انتقادی مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه نیز بهره‌های تفکر و تفکر انتقادی از دیدگاه آن بزرگوار(ع) مورد بررسی قرار گرفت و ضرورت ترویج فرهنگ نقادی و تفکر انتقادی در محافل آموزشی، و ایجاد زمینه‌های تفکر واگرا، خلاق و خود سنجی برای تحقق پیشرفتهای عالی‌تر جامعه علمی کشور مورد تأکید قرار گرفت. بررسیهای این پژوهش نشان داد که بسیاری از ویژگیهایی که برای تفکر انتقادی از دیدگاه حضرت علی(ع) مطرح شده است با توجه به اینکه پژوهشگران داخلی در جهت مطرح ساختن این ویژگیها تلاش چندانی از خود نشان نداده‌اند، امروزه و در آثار پژوهشگران معاصر خارجی در زمینه تفکر نقادی دوباره و با عناوین دیگری مطرح شده است. علاوه بر این، بسیاری از ویژگیهایی که به عنوان شاخصه‌های اساسی در تفکر انتقادی از نگاه آن بزرگوار(ع) مطرح شد، ظاهراً با هم تشابهاتی دارد اما بررسی دقیق هر یک از این موارد و گنجاندن آنها در دو دسته جدا (ویژگیهای فردی و اجتماعی تفکر انتقادی) تفاوت‌های آنها را با همدیگر مشخص ساخت. با بررسی دقیق این ویژگیها، چشم انداز تازه‌ای نسبت به بینش اسلام و بویژه امام علی(ع) درباره تفکر به مفهوم عام و مهمتر از آن تفکر به مثابه اندیشه نقاد ایجاد

شد. با اینکه بسیاری از منتقدان مکتب اسلام به صورتهای مختلف تلاش دارند تا نگاه اسلام را به اندیشه و اندیشه نقاد، سطحی جلوه دهند، این بررسی نشان داد که شاخصه‌هایی که در بینش اسلامی و بویژه نگاه امام علی(ع) درباره تفکر انتقادی وجود دارد چنان پربار و درخشانده است که علاوه بر اینکه نقد منتقدان مختلف را درباره تفکر اسلامی به چالش می‌کشد بلکه با ارائه دیدگاه‌های تازه در این زمینه، موجبات پرورش تفکر انتقادی را در جامعه فراهم می‌سازد. با توجه به اهمیتی که ویژگیهای تفکر انتقادی از نگاه امام علی(ع) دارد، هر یک از این ویژگیهایی که در این تحقیق به صورت اختصار مورد بررسی قرار گرفت، خود می‌تواند به عنوان موضوع پژوهشی مهم در زمینه شاخصه‌های اساسی تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام مورد بررسی ویژه قرار بگیرد. سرانجام اینکه این تحقیق می‌تواند آغازگر پژوهش‌های دیگری باشد که چشم‌انداز اسلام را نسبت به موضوعات مهمی از دیدگاه اسلام و ائمه(ع) به گونه روشن‌تری مشخص کند که امروزه در جامعه آموزشی کشور با عنوان تفکر انتقادی، تفکر خلاق و آفرینندگی و مسائلی از این دست مطرح است.

منابع فارسی

قرآن کریم.

ابن ابی الحدید(۱۳۸۵). شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید. تحقیق: محمد ابو الفضل ابراهیم. بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.

بحرانی، ابن میثم(۱۳۶۲). شرح نهج البلاغه. بی‌جا: دفتر نشر کتاب.

بختیار نصرآبادی، حسنعلی؛ نوروزی، رضا علی؛ حبیبی، ناصر(۱۳۸۴). انگاره‌های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: سماء قلم.

بیات، اسدالله(۱۳۸۳). عقل و خرد و ابعاد آن از زاویه نگاه امام علی(ع). مجله متین، ش ۲۴-۲۳.

بیات، اسدالله(۱۳۷۹). عقل و دین در کلام امام علی علیه السلام. مجله متین، ش ۹.

برنجکار، رضا(۱۳۸۰). عقل و تعقل در کلام امیر(ع). قیسات. ش ۱۹.

تمیمی آمدی، عبدالواحد(۱۳۶۶). تصنیف غررالحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات.

حاجی آخوندی، زهرا(۱۳۸۸). نظریه برنامه درسی آموزش و پرورش انتقادی با تأکید بر آرای پائولو فریره. رساله کارشناسی ارشد، تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش. دانشکده علوم تربیتی. دانشگاه پیام نور واحد تهران.

حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی(۱۳۸۶). الحیاه. ترجمه احمد آرمان. ج نهم. تهران: نشر دلیل ما.

- خوانساری، جمال الدین (۱۳۶۶). شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غررالحکم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خلیلی، مصطفی (۱۳۸۴). ایمان و خردورزی از دیدگاه امام علی (علیه السلام). مجله رواق اندیشه. ش ۴۰.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹). نهج البلاغه (فارسی). تهران: انتشارات مشرقین.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۷۸). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. چ پنجم. تهران: انتشارات آگاه.
- سلطان‌القرائی، خلیل (۱۳۸۴). فلسفه تعلیم و تربیت و آرای تربیتی. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۰). روانشناسی پرورشی. تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۲). روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارت‌ها و راهبرهای تفکر). تهران: انتشارات سمت.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۲). نقد و خلاقیت تفکر. تهران: اندیشه معاصر.
- غزالی، محمد بن محمد (۱۳۷۴). میزان العمل (ترازوی کردار). ترجمه علی اکبر کسمایی. تهران: انتشارات سروش.
- کراجکی، ابوالفتح (۱۴۱۰). کنز الفوائد. قم: دارالذخائر.
- کریم پور قراملکی، علی (۱۳۸۱). جایگاه اقلیت و اکثریت در قرآن. فصلنامه علوم سیاسی. ش ۱۹.
- مایرز، چت (۱۳۷۴). آموزش تفکر انتقادی. ترجمه خدایار ابیلی. تهران: انتشارات سمت.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۲). بحارالانوار. تهران: انتشارات اسلامیه.
- نادری، عزت‌الله؛ سیف نراقی، مریم (۱۳۷۸). روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی. تهران: انتشارات بدر.

منابع انگلیسی

- Benesley, D Alan (1997) **critical thinking in psychology, pacific grove, California - Bollinger, A. S.Smit.R.D.(2001)**. Association for information management. Journal of knowledge management, vol 5, N1, 2001.
- Case, B. (1994). **Walking around the elephant. A critical thinking strategy for decision making**. The journal of continuing education in nursing.
- Hownstein. M.A; et al (1996). **Factors associated with critical thinking**. The Journal continuing education in nursing.
- Lipman, Matthew (1997), **Thinking in Education**. Cambridge mass cambridge university press.
- Nelson, T. O (2001), **Meaning of critical thinking**. Critical thinking and Education. Cambridge university press.

